ابهام در ۱۴۰۰

ادامه از صفحه ۵

۲ چهره متضاد یا هم‌خوان اقتصاد؟

اقتصاد اکنون یک چهره زیبا و دوست‌داشتنی دارد؛ مانند تورم پایین و رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی ۶۰۰هزارنفری. چهره دیگر یک چهره بد است و آن عبارت است از شش چالشی که به آن اشاره کردیم. البته این دو چهره متضاد هم نیستند. این شرایط فرصت خوبی است که می‌توانیم آرام‌آرام به سمت اصلاحات اساسی حرکت کنیم. تصور زیبای اقتصاد کشور به رویکرد عقلایی‌مان به اقتصاد بازمی‌گردد. اما برای حل اساسی مشکلات به تغییر ساختاری نیاز داریم. اگر به این مسیر ادامه دهیم، سال ۱۴۰۰ می‌تواند سال خوبی باشد و می‌تواند قرنی را رقم بزند که نسبت به قرن پیشین، زیباتر باشد.

اصفیا را خدایش بیامرزد

جمله‌ای را برای شما می‌خوانم که حسن ختام باشد. آقای صفی اصفیا را شاید بشناسید که هشت سال رئیس سازمان برنامه و بودجه بود. از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور بود. ایشان یکی از موفق‌ترین رؤسای سازمان برنامه و بودجه در ایران بودند. خداوند ایشان را رحمت کند. در سال ۸۳ از آقای اصفیا تقدیر شد. کلامی از ایشان در یکی از کتاب‌هایم ذکر کرده‌ام که در آینده به چاپ می‌رسد: «ایران یک سرزمین شگفت‌انگیز است. بزرگ‌ترین مردان و پست‌ترین مردان در این آب‌وخاک پرورده شده‌اند. حوادثی که بر سر ایران آمده بدان گونه است؛ شکست‌های شرم‌آور، مصیبت و کامروایی‌های بسیار. گویی روزگار همه بلاها و بازی‌های خود را بر ایران آزموده است. آن را بارها لب پرتگاه برده و باز از افتادن بازداشته است. ایران شاید سخت‌جان‌ترین کشورهای دنیا باشد.

دوره‌هایی بوده است که با نیمه‌جانی زندگی کرده و اما از نفس هم نیفتاده؛ چون بیماری که می‌خواهد نزدیکان خود را بیازماید، درست همان لحظه که همه از او امید برگرفته بودند، چشم گشوده و زندگی را از سر گرفته است».

حسین عبده‌تبریزی: بانک و سوءاستفاده صندوق‌ها

یکی از محورهایی که آقای دکتر نیلی هم همواره به آن اشاره داشت، مسئله بانک است. از اول انقلاب، مسئله بانک یک مسئله مهم بین بانکدارها و عده زیادی از افراد در ایران بوده است. از همان ابتدا آقای مولوی که رئیس بانک مرکزی شد و بعد نهایتا دوره آقای نوربخش، همواره این درگیری را به‌طور دائم شاهد بودیم. نهادهایی تشکیل شدند که به‌عنوان رقیب بانکداری سنتی ادعا داشتند باید در چارچوب مدنظرشان فعالیت بانک‌ها صورت بگیرد. نهایتا چارچوب بانکی در قالب فقه دچار اصلاحاتی شد. از همان ابتدا سوءاستفاده‌هایی هم از این مسئله پیش آمد و عده زیادی عملا ذیل ادعاهایی، به فعالیت بانکداری پرداختند. به‌عنوان مثال همان صندوق‌های مختلف... . در دوره‌های طولانی عده زیادی به مخالفت با فعالیت این صندوق‌ها متهم شدند. عملا نگرانی آن افراد در واقع این بود که این تفکر به یک نظام بانکداری تبدیل شود که درنهایت از کنترل و نظارت خارج شود.

برگی از هشداری تاریخی

این مشکلات از همان ابتدا وجود داشت. بنده نواری را دارم که مربوط به سال ۷۱ است. به یاد دارم در شبکه دوم سیما با آقای نوربخش بودم. من می‌گفتم این نهادها را معرفی کنید؛ چراکه زمانی برای کشور مشکل‌آفرین می‌شوند. این داستان بسیار طولانی است که درنهایت در دولت نهم و دهم به یک جریان کاملا متفاوتی تبدیل شد و این‌گونه با شتاب بیشتری مشکلات بانک‌ها افزایش یافت. بیان اینکه این مشکل چیست، در راه‌حل آن ضرورت دارد.

ماجرای الزام در اقدام بوروکراتیک کاهش نرخ

درحال‌حاضر به شرایطی رسیده‌ایم که اقدام بوروکراتیک کاهش نرخ، تنها راه‌حل است و چاره‌ای دیگر نداریم. شاید عده‌ای مخالف باشند که ما با این کار بازار را نادیده می‌گیریم. دراین‌باره باید توضیحاتی بیشتر داد. دولت یازدهم آنچه را تحویل گرفته بود مصداق یک شرایط رکودی-تورمی بود. از حدود سه سال پیش، یعنی بعد از سال دوم دولت یازدهم، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای بین نرخ سود بانکی و نرخ تورم به وجود آمد و این تفاوت قابل‌ملاحظه بین این دو، شرایط دشواری را در بانک‌ها ایجاد کرد که می‌توان آن را به صورت یک ترازنامه به نمایش گذاشت.

در سال ۸۶ که سال نسبتا خوبی هم برای بانک‌ها بود، در شرایطی که نرخ تورم آرام گرفته بود، برای اولین بار در تاریخ بعد از انقلاب، سود واقعی نسبتا بالایی به سهام‌داران پرداخت کردیم. این سود درنهایت به صورت بدهی جدید در ترازنامه بانک‌ها درج شد. ولی در طرف دیگر ترازنامه، یعنی در سمت دارایی‌ها، هیچ رخدادی در بانک‌ها صورت نگرفت؛ به این دلیل که این مؤسسات دست به خلق جدیدی نمی‌زدند و تنها کاری که صورت می‌گرفت این بود که بدهکاران را احضار می‌کردند. بدهکاران هم که پولی نداشتند تا بدهی خود را پرداخت کنند. بنابراین بانک‌ها وام جدیدی را به بدهکار می‌دادند که البته این وام جدید به‌عنوان دارایی جدید به ثبت می‌رسید و با سود حاصله این وام، نقدینگی ایجاد می‌شد.

ختم یک ریسک به تورم

اکنون این ریسک پیش‌روی ما قرار دارد که اگر ما بخواهیم نرخ سود را کاهش بدهیم، این نقدینگی اضافی روی قیمت‌ها انعکاس پیدا کند و تأثیرگذار شود و در نهایت تورم ایجاد کند. اما چرا این وضعیت پیدا شد؟ چرا این تفاوت عمده بین سود و نرخ تورم ایجاد شد؟ از مواضع مختلفی می‌توان این مسئله را توضیح داد. در حوزه مالی از یک دریچه دیگری هم می‌توانیم این مسئله را توضیح بدهیم. برای این توضیح می‌توان سه مسئله را مطرح کرد. یکی از این موارد عبارت است از نظریه «رقابت برای حفظ سهم بازار». عده‌ای می‌گویند بانک‌ها رقابت می‌کنند و می‌خواهند سهم بازار بیشتری به دست آورند لذا رقابت می‌کنند که سهم بیشتری را کسب کنند. نظریه دیگر این است که بانک یا مؤسسه غیرقانونی صرفا برای حفظ بقای خود تلاش می‌کنند؛ بنابراین مجبورند این میزان از نرخ سود را پرداخت کنند. نظریه دیگر بر فرضیه «نمایندگی» مبتنی است و به گمان من، هم‌اکنون وضعیت و فعالیت بانک‌ها بر این اصل مبتنی است. می‌دانیم شرایط بانک‌ها شرایط رقابتی کامل نیست و بیشترین مشکل مربوط به نمایندگی است؛ چراکه بین سپرده‌گذاران و سهام‌داران منافع مختلفی وجود دارد. همچنین بین سهام‌داران و مدیران. این دلیل عمده‌ای است برای حجم عمده‌ای از اتفاقاتی که در بانک‌ها رخ داد.

راه‌حل چیست؟

راه‌حل این مسئله بستگی به این دارد که کدام نظریه (از سه نظر فوق) را اقتباس کنید. اگر فرض را براساس رقابت بین بانک‌ها بگذارید، پس راه‌حل این می‌شود که ضمن شفاف‌سازی، اجازه بدهیم بانک‌ها با یکدیگر رقابت کنند و این درنهایت باعث می‌شود نرخ سود کاهش پیدا کند. بانک مرکزی البته در دوره‌ای هم این کار را انجام داد تا بتواند نرخ را این‌گونه پایین آورد اما درنهایت موفقیتی حاصل نشد. عده‌ای هم عقیده دارند به دلیل اینکه نرخ (جریمه) ۳۴ درصدی مربوط به (اضافه برداشت و بدهی) بانک مرکزی وجود داشته است، بنابراین بانک‌ها تا سقف ۳۴ درصد با یکدیگر رقابت خواهند کرد. بنابراین باور بر این است که باید جرائم اضافه‌برداشت را کم کرد تا این وضعیت اصلاح شود.

نرخ دستور تنها راه بود

به گمان من به این علت که فرضیه «نمایندگی» تا حد بسیار زیادی قوی است، آنچه در این حوزه بسیار مهم تلقی می‌شود این است که در این مقطع، تعیین نرخ دستوری تنها راهی است که پیش‌روی ما باقی می‌ماند؛ چراکه امکان نداشت با نرخ سود بالای بانک‌ها چرخ اقتصاد را راه‌اندازی کنیم. به‌عنوان مثال به بازار بورس نگاه کنیم. این بازار یارای رقابت با سود بانکی را نداشت. از سوی دیگر عملا در بورس سطح فساد بالایی را شاهد بودیم؛ چراکه شرکت‌ها در قالب عمل، هیچ‌گاه چنین بازدهی را تولید نمی‌کردند. بانک‌ها تا ۲۷ درصد سود می‌دادند که اگر ما نرخ مالیات ۲۵درصدی را هم در نظر بگیریم، برای اینکه یک بنگاه اقتصادی بتواند رقابت کند، باید حدود ۴۰ درصد سود داشته باشد! که عملا غیرممکن است. در بخش مسکن و ارز هم چنین امکانی وجود نداشت. عمدتا این نرخ بانکی، کسب‌وکارها را از فعالیت بازداشته بود و افراد صرفا با سپرده‌گذاری در بانک، به کسب سود راضی بودند.

معجزه بانکی و حیرت ایرانیان

کار به جایی رسیده بود که خانواده‌ها فکر می‌کردند که معجزه جدیدی در اقتصاد ایران اتفاق افتاده است. فکر می‌کردند می‌توانند پول خود را در بانک نگه دارند و سود بالایی را از بانک دریافت کنند و بانک هم هیچ فعالیتی نداشته باشد و همه هم وضعشان خوب باشد. اکنون که این میزان سود کاهش یافته، این سؤال مطرح شده است که خانواده‌هایی که با این میزان سود زندگی می‌کردند، با کاهش آن چه کار کنند. عده‌ای هم این‌گونه مخالف کاهش سود بودند. در چنین شرایطی، به گمان من راهی نبود جز اینکه به صورت دستوری با این میزان از نرخ سود برخورد کنیم.

هراس از علت و تقابل با معلول

البته نباید فراموش کنیم ما با معلول برخورد کردیم و با علت کاری نداشتیم. این کاملا مشخص است که نرخ سود بانکی، نمی‌تواند شرایط پایداری را ایجاد کند؛ بنابراین باید مجموعه اقدامات دیگری را انجام دهیم تا بتوانیم از این وضعیت رها شویم. یکی از بحث‌های اساسی دراین‌باره این است که اگر معتقدیم در سیستم بانکی به خاطر آن سودهای موهوم، زیان بزرگی را داشته‌ایم، این زیان را چگونه باید تقسیم کنیم؟ (یعنی بین سهام‌دار، سپرده‌گذار یا دولت). این همان جریانی است که به معنای حل‌وفصل موضوع است و باید دید برای حل این موضوع به کدام روش باید بسنده کنیم. طبیعی است که اقتصاد سیاسی ما اجازه نمی‌دهد همه این زیان را به سپرده‌گذار منتقل کنیم. اقتصاد سیاسی ما چنین امکانی را فراهم نمی‌کند؛ هرچند در کشورهای پیشرفته، برخلاف این است. مهم‌ترین مسئله این است که چگونه هزینه‌های این اتفاق و این رقابت بی‌معنا را بپردازیم.

> **در این مقطع، تعیین نرخ دستوری تنها راهی است که پیش‌روی ما باقی می‌ماند؛ چراکه امکان نداشت با نرخ سود بالای بانک‌ها چرخ اقتصاد را راه‌اندازی کنیم. درباره موضوع اول (اجرائی‌کردن نرخ سود ۱۵درصدی) لازمه‌اش این است که نظارت بانک مرکزی قدرت پیدا کند. بانک مرکزی البته امکانات بسیاری متنوعی دارد و می‌تواند از این امکانات برای اعمال این ۱۵ درصد اقدام کند**

اقدام بانک مرکزی و طرح ۳ مبحث جدید

با اقدامی که بانک مرکزی درباره کاهش نرخ سود انجام داد، سه موضوع پیش‌روی ما قرار می‌گیرد؛

اول: اینکه چگونه این ۱۵ درصد را اعمال کنیم. بانک مرکزی سال قبل هم چنین دستوری را صادر کرد که نرخ سود ۱۵ درصد شود؛ اما کسی آن را جدی نگرفت. چگونه این دستور را اعمال کنیم و مطمئن شویم که عملیاتی می‌شود؟

دوم: اینکه چگونه اصلاحات اقتصادی خود را انجام دهیم و زیان‌هایمان را بین عناصری که درگیر مسئله هستند، توزیع کنیم.

سوم: این است که چگونه در کوتاه‌مدت مسائل مربوط به تورم را جمع کنیم تا تورم لجام‌گسیخته نشود. به‌هرحال، با اعمال نرخ دستوری ۱۵درصدی، اکنون شرکت‌ها در فکر این چاره هستند که پول و دارایی خود را کجا سرمایه‌گذاری کنند. حتی شرکت‌های تولیدی هم وقتی دریافتند برای کسب سود راهی جز دریافت سود بانکی ندارند، تولیدات خود را کاهش دادند و پول‌های خود را در بانک گذاشتند و سود دریافت کردند؛ اما اکنون با کاهش سود، باید پول خود را وارد تولید کنند. این سه موضوع بسیار اساسی هستند.

حضور شورای امنیت ملی کشور

درباره موضوع اول (اجرائی‌کردن نرخ سود ۱۵درصدی) لازمه‌اش این است که نظارت بانک مرکزی قدرت پیدا کند. بانک مرکزی البته امکانات بسیاری متنوعی دارد و می‌تواند از این امکانات برای اعمال این ۱۵ درصد اقدام کند. در نهایت اگر مجوزهایی لازم باشد و اگر با امنیت ملی ما سنخیت داشته باشد، می‌تواند از شورای امنیت ملی هم مجوز بگیرد تا با متخلفان برخورد کند. به‌هرحال، باید این مسئله کنترل شود. به‌هرحال چون ما با علت برخورد نکرده‌ایم، نتوانسته‌ایم از این طریق، جریان متعادلی را در جامعه به وجود بیاوریم.

۷۰ میلیارد دلار ضرر بابت دیرکرد در تصمیم‌گیری

مسئله دیگر، به جریان توزیع ضرر بین ذی‌نفعان بازمی‌گردد. واقعا این ضرر را چگونه باید بین ذی‌نفعان تقسیم کنیم؟ روش‌های حل‌وفصل در دنیا شناخته شده‌اند و دولت‌ها به آن راه‌حل‌ها کمک می‌کنند. دولت مجبور است در این مرحله وارد شود و اقدام کند. کاش سه سال پیش این کار را انجام می‌دادیم تا میزان زیان‌ها بیشتر نمی‌شد. فکر کنید همین رقم ۱۵ درصد را از چند سال پیش مصوب می‌کردیم و اجرائی هم می‌شد. محاسبات من نشان می‌دهد حداقل ۷۰ میلیارد دلار تفاوت ایجاد می‌کرد. اکنون که این کار را انجام داده‌ایم، باید سعی کنیم با علت هم برخورد کنیم. باید ترازنامه بانک‌ها را هم ببینیم و با آنها برخورد کنیم تا بتوانیم مسئله را حل‌وفصل کنیم. ما نمی‌توانیم این زیان‌ها را زیر فرش بگذاریم و از آنها بگذریم. طبیعی است که تعداد بانک‌های ما باید در این وضعیت کاهش پیدا کند.

کمین خطر ارز

مسئله بلافصلی هم داریم؛ به محض اینکه نرخ را به ۱۵ درصد کاهش می‌دهیم، بنگاه‌ها دنبال این می‌روند که با سرمایه و پول خود چه کار کنند؟ این یک هدف بود و می‌خواستم افراد شروع به حرکت کنند؛ اما ارزش برخی از بخش‌های اقتصادی ایران زیر قیمت است؛ بنابراین مدیریت آن بخش‌ها مهم‌ترین وظیفه دولت است. بازار ارز یک نمونه آن است. این‌گونه نیست که بلافاصله با نرخ دستوری، سرمایه‌ها به سمت تولید بروند. اولین جایی که این منابع حرکت می‌کنند، بازار ارز و همچنین بازار طلا است؛ بنابراین مدیریت ارز و طلا در این دوران، یک مدیریت اساسی محسوب می‌شود. آیا ابزاری داریم تا بتوانیم این بازارها را کنترل کنیم؟ باید این موارد بررسی شود. آنچه مهم است این است که نگذاریم ارز وسیله پس‌انداز شود. خوشبختانه یکی از دستاوردهای دولت یازدهم، این است که ارز وسیله‌ای برای پس‌انداز نشده که اگر این مسئله اکنون عملی شود، نسبت به مبحث نرخ سود بانکی، عوارض بسیار بدتری برای اقتصاد کشور در پی خواهد داشت.

حالا که این سیاست را پیاده کرده‌ایم، باید بیندیشیم که چگونه آن را کنترل کنیم که این نرخ دستوری کارایی داشته باشد.

ادامه از صفحه ۵

نقش وزارت نفت در تأمین منابع هدفمندی

لیکن با تمهیدات به‌عمل آمده در سال‌های اخیر، فرایند تأمین منابع یارانه‌ها از اواخر سال ۱۳۹۵ در مسیر صحیح قرار گرفته است و دولت قادر شده وصولی‌های موضوع ماده «الف» تبصره (۱۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۶ را به‌موقع پرداخت کند.

بند قانونی بالا به دولت اجازه می‌دهد در اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها (مصوب دی ماه ۱۳۸۸) از محل درآمدهای حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور تا مبلغ ۴۸۰ هزار میلیارد ریال با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی نسبت به حمایت از خانوارهای هدف و نیازمند ارائه خدمات حمایتی و کمک به بخش تولید و اشتغال اقدام نماید.

آن‌طور که از نص این قانون و سایر قوانین موضوعه برمی‌آید؛ بخش مهمی از منابع این پرداخت‌ها از محل «خالص» افزایش قیمت حامل‌های انرژی تأمین می‌شود.

طبیعتا با توجه به تأکید قانون هدفمندکردن یارانه‌ها بر بالارفتن بهای فروش داخلی برخی فراورده‌های نفتی (در کنار افزایش آب‌بها، قیمت برق و گاز توزیعی)، عملا وزارتخانه‌های نفت و نیرو نقش عمده‌ای در تأمین این منابع دارند. بااین‌همه وظیفه محوله قانون‌گذار برای وزارتخانه‌ها در برخی موارد «بلااثر» یا «تخفیف» یافته است. به‌عنوان مثال، تکلیف وزارت نیرو برای پرداخت سهم ۳۶هزار میلیارد ریالی هدفمندی از ابتدای سال ۱۳۹۵ لغو شد تا آن وزارتخانه با توجه به ضرورت افزایش ظرفیت نیروگاهی بخشی از مشکلات جاری‌اش را مرتفع سازد.

در این اوضاع مسئولیت وزارت نفت و در رأس آن شرکت ملی پالایش و پخش پررنگ‌تر شد. براساس آمارهای موجود شرکت ملی پالایش و پخش در سال ۱۳۹۵ به‌تنهایی «حدود» ۷۰ درصد از منابع نقدی یارانه‌ها را از محل فروش انواع بنزین، نفت‌گاز، نفت‌کوره، نفت‌سفید، گاز مایع و انواع سوخت‌های هوایی تأمین کرد تا سهم بسیار مؤثری بر تصمیمی که سال‌ها قبل برای سفره بیش از ۷۷ میلیون ایرانی و اقتصاد کشور گرفته شده بود، داشته باشد.

علی‌رغم دشواری تأمین منابع یارانه‌ها، بررسی زمان پرداخت یارانه‌های نقدی خانوارها در سال قبل و به‌ویژه از فروردین لغایت مرداد سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد توافق میان وزارت نفت، سازمان هدفمندکردن یارانه‌ها، سازمان برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال جاری حداکثر در بازه زمانی ۲۵ لغایت ۲۷ هر ماه اجرائی شده و تعهد نقدی شرکت ملی پالایش و پخش به سازمان‌های ذی‌صلاح با وجود سایر تعهدات هنگفت نظیر مالیات و عوارض ارزش افزوده فراورده‌های نفتی (که در برخی فراورده‌ها مثل بنزین برابر با ۳۰ درصد قیمت مصوب است) در موعد مقرر پرداخت شده است.

اما تسهیل شرایط برای دولت و به‌روزکردن پرداخت‌ها چندان ساده نبود. قسمتی از رفع آثار نارسایی‌های مدیریتی گذشتگان در حوزه تأمین منابع هدفمندکردن یارانه، معطوف به اختلاف حساب بابت بدهی سنواتی مالیاتی درهم‌آمیخته شده بود. به این منظور بیش از سه سال برنامه‌ریزی صورت گرفت. نهایتا با تدبیر مسئولان در آخرین سال تصدی دولت یازدهم گره کور تأمین منابع هدفمندی باز شد.

هرچند آنچه عذاب الیم خوانده می‌شد تا حد قابل‌توجهی از پیش پای همه سازمان‌های ذی‌مدخل در مقوله یارانه برداشته شده اما آثار نه‌چندان مطلوب آن همچنان بر دوش وزارت نفت سنگینی کرده و این وزارتخانه را در صف اول تأمین وجوه یارانه نقدی پیشتاز برای آحاد شهروندان کشور قرار می‌دهد.

امروز که تأمین منابع یارانه‌ها ممکن شده و دولت در حد قابل‌قبولی تعهدات قانونی خود را اجرا می‌کند؛ مداقه در روح و متن قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و سایر قوانین سنواتی هرگونه شبهه درباره عملکرد وزارت نفت در مراوده با سازمان‌های متولی و ذی‌ربط در مدیریت دریافت و پرداخت یارانه‌ها را از بین می‌برد.

آن‌طور که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است عواید حاصل از فروش فراورده‌های نفتی (ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی) علاوه‌بر تأمین منابع یارانه، مصارف دیگری هم دارد. بخشی از آن شامل هزینه‌های هنگفت حمل‌ونقل و توزیع و فروش فراورده‌های نفتی، مالیات و عوارض ارزش‌افزوده و سایر عوارض قانونی (نظیر عوارض نوسازی تأسیسات -مصرح در بند «د» تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۶) است.

مدیریت این حجم عظیم از عملیات مالی پیچیده را باید تلاشی قابل‌تقدیر در دولت یازدهم و دوازدهم برشمرد، آنجا که پرداخت به‌موقع یارانه خانوارها به‌عنوان اثری از سامان‌دهی مالی در حوزه توزیع یارانه قلمداد می‌شود.

ادامه از صفحه ۵

سرمایه‌ها و توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار، مفهومی بسیار مهم است، زیرا دربرگیرنده اصولی است که شناخت، تحقق و حتی درک آنها، آینده‌ای روشن و بهتر را به ارمغان می‌آورد و ندانستن آنها، نابودی محیط زیست و حتی بشریت را به دنبال دارد. در فرایند توسعه پایدار، رشد اقتصادی و دسترسی به استانداردهای بهتر زندگی بدون ازدست‌دادن منابع کمیاب طبیعی مدنظر است. درواقع توسعه پایدار را می‌توان تلاش برای حمایت از آینده در زمان حال دانست.توسعه پایدار شامل یک مجموعه مفروضات و ایده‌آل‌هاست که عبارت‌اند از:

۱-عدالت اجتماعی؛ همه مردم دارای حق برخورداری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط رشد و شکوفایی داشته باشند.

۲- کیفیت زندگی؛ تعریف کامل و گسترده‌تری از رفاه اجتماعی باید ارائه شود، به‌گونه‌ای که از این محدوده باید فراتر رود.

۳- یکپارچگی اجتماعی - محیطی؛ تمامی تصمیمات اقتصادی باید با توجه به آثاری که روی محیط زیست می‌گذارند اتخاذ شوند.

۴- مشارکت؛ نهادها باید دوباره سازماندهی شوند تا از طریق آنها زمینه شنیدن صداهای مختلف در فرایند تصمیم‌گیری فراهم شود.

۵- حفاظت محیطی؛ حراست از منابع و حمایت از حیات جانوری و گیاهی از ضروریات به حساب می‌آید.

۶- تعهد بین‌نسلی؛ تصمیماتی که اتخاذ می‌شود باید با توجه به آثاری باشد که بر محیط زیست نسل‌های آینده دارند.

برای توسعه پایدار باید سرمایه‌های کشور حفظ شوند و از آنها استفاده بهینه شود. بر اساس مدل سین (SCENE) سه شکل سرمایه - پایداری (Sustainability-Capital) تعریف شده است:

سرمایه اجتماعی، سرمایه محیطی و سرمایه اقتصادی.هرکدام از حوزه‌های سرمایه فوق تعدادی مؤلفه عام دارد؛ مثلا در بحث سرمایه‌های اجتماعی می‌توان به سطح کیفیت زندگی، حقوق‌بشر، اشتغال و رویه‌های کار، مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماعی، اعتماد عمومی، رعایت اخلاقیات، رعایت و تبعیت از قوانین و مقررات، فساد و رشوه‌خواری و پول‌شویی اشاره کرد یا برای سرمایه اکولوژیکی، کیفیت اکولوژیکی، تنوع گونه‌های زیستی و منابع طبیعی، انتشار گازها، فاضلاب و ضایعات، اثرات زیست‌محیطی تولید و رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی یا اینکه برای سرمایه اقتصادی، حیات اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌ها، مالیات، بازارهای کارا و رشد اقتصادی مطرح می‌شود. در این مدل هرکدام از مؤلفه‌ها از چهار منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: کیفیت، کمیت، کارکرد و قلمرو آن. مفهوم توسعه پایدار به دنبال این موضوع است که ملاحظات مربوط به اکولوژی حتما باید در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی لحاظ شود و این ملاحظات شامل ایده ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور تحقق اهداف کیفی تمامی جنبه‌های زندگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.امروزه این مفهوم به‌عنوان یک دغدغه اساسی در تمامی دنیا مطرح شده است و انتظار می‌رود دولت دوازدهم با استفاده بهینه از تمامی سرمایه‌های ملی از جمله سرمایه‌های اکولوژی، اجتماعی و اقتصادی بتواند ایران را به سمت توسعه پایدار سوق دهد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت اول

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران منطقه کرمانشاه

مناقصه گزار : شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران – منطقه کرمانشاه

شماره مجوز ۱۳۹۶،۲۷۹۰

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار	مهلت فروش اسناد از تاریخ چاپ دوم این آگهی تا تاریخ	تاریخ تسلیم پاکات به دبیرخانه منطقه با اخذ رسید	زمان جلسه توجیهی
۱	اجرای سیستم فومینگ و کولینگ مخازن ۱۰۲۱و ۱۰۲۲و ۱۰۲۵انبار نفت منطقه کرمانشاه	۷/۴۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۳۷۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال	۱۳۹۶/۰۶/۲۶	۱۳۹۶/۰۷/۰۵ تا پایان وقت اداری ساعت ۱۵	۱۳۹۶/۰۷/۰۲
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (شرکت در مناقصه) : یکی از تضامین معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی و به مبلغ مندرج در جدول فوق می باشد (در صورت واریز سپرده نقدی به شماره حساب جام دو طرفه بانک ملت ۹۲۰۰۰۳۰۴۹۴ با شناسه ۳۰۴۵۰ نزد بانک ملت)می‌باشد						در سالن کنفرانس منطقه

لذا از کلیه شرکت های فعال واجد شرایط دعوت بعمل می آید بعد از انتشار نوبت دوم این آگهی نسبت به دریافت اسناد مناقصه از دستگاه مناقصه گزار اقدام و تا آخر وقت اداری مطابق تاریخ تعیین شده جدول فوق نسبت به تحویل پاکات بصورت سر بسته و ممهور به مهر شرکت به دبیرخانه این منطقه به آدرس میدان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمانشاه - کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۵۱۹ اقدام و رسید دریافت نمایند و قابل برداشت بخشی از اسناد مناقصه از سایتهای http://Monaghese.niopdc و http://iets. mporg.ir متقاضیان جهت در یافت سی دی اسناد و سایر مدارک مناقصه میبایست مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ریال (بصورت غیرقابل استرداد) بحساب سیبای شماره ۴۱۲۰۰۳۰۴۰۰۰۸ با کد شناسه ۳۰۱۰۰۰۰۰۲۹ نزد بانک ملی شعبه نفت واریز و اسناد مناقصه را از واحد دبیرخانه منطقه دریافت نمایند. زمان بازگشایی پاکات چهارشنبه مورخ ۹۶/۰۷/۰۵ راس ساعت ۱۵:۳۰ عصر در سالن کنفرانس منطقه میباشد. پیشنهاد قابل قبول با استفاده از دستورالعمل تعیین دامنه قیمت های متناسب موضوع دستورالعمل شماره ۹۵/۶۱۷۷۰۸مورخ ۹۵/۱۲/۲۸وزارت نفت به استناد بخشنامه ۹۴/۱۵۸۷۶۴مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۳سازمان برنامه وبودجه کل کشور تعیین و برنده مناقصه مشخص خواهد شد.

● تضمین شرکت در مناقصه باید به مدت سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر باشد تضمین (مطابق فرمت تحویلی در اسناد مناقصه) ارائه گردد.

شرایط متقاضی: کلیه شرکتهای توانمند دارای: ۱- گواهینامه رتبه بندی پایه ۵ در رشته تاسیسات و تجهیزات و یا نفت گاز از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

۲- دارا بودن ظرفیت آزاد در رشته تاسیسات از سایت ساجار و ارایه گواهی چاپ شده

۳- داشتن یک کار مشابه فومینگ و کولینگ در صنعت نفت با ارایه تصویر قرارداد و گواهی حسن انجام کار از کارفرمای مربوطه الزامیست.

۴- ارایه تصویر برابر اصل (اساسنامه، و آگهی آخر ین تغییرات در روزنامه رسمی) و در صورت داشتن تغییرات ارایه اصل گواهی امضاء صادره از دفتر اسناد رسمی برای فرد مجاز به امضا، اسناد تعهد آور الزامیست.

۵ -سی دی تحویلی بخشی از اسناد (شامل نقشه کار و پیش نویس قرارداد و شیوه نامه ها و شرح کار) باید به امضا و مهر فرد مجاز طبق اساسنامه یا آگهی تغییرات برسد.

تذکرات مهم : ۱- تمامی موارد مندرج دربندهای۱تا ۵ بالا بایستی در داخل پاکت ب قرار دهند. ۲- عدم ممنوع المعامله بودن در سطح کلیه شرکت های تابعه وزارت نفت که در (صورت محرز، سپرده شرکت در مناقصه به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد شد). پیمانکاران میبا یست حداقل تا ۴۸ ساعت قبل از تحویل پاکات صورتجلسه توجیهی را در یافت و با آگاهی کامل اعلام نرخ نمایند.

تاریخ چاپ نوبت اول: ۹۶/۰۶/۲۲ تاریخ چاپ نوبت دوم :۹۶/۶/۲۳

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمانشاه